# نکات درس:

1. چیزی به‌نام «وجود» در عالم نیست، آنچه هست، موجودات است، و خداوند متعال «موجود» است نه «وجود».
* برخی فیلسوفان، وجود و موجود را به چهار دسته تقسیم کرده‌اند، اما این تقسیم‌بندی‌ها به‌اعتقاد استاد فاقد اعتبار منطقی است. "
	+ - کثرت وجود و موجود
		- وحدت وجود و کثرت موجود
		- وحد وجود و موجود
		- کثرت وجود وحدت موجود

 همه این صور باطل است، زیرا در عالم هستی چیزی به عنوان «وجود» واقعیت و تحقق ندارد.

## تقسیم وجود به متواطی و مشکک:

مفاهیم کلی را از نظر کیفیت صدق بر مصادیق به دو دسته تقسیم کرده‌اند:

**"متواطی** به مفهومی اطلاق می‌شود که بر تمام افراد و مصادیق خود به صورت یکنواخت و بدون هیچ‌گونه تقدم، تأخر یا اولویتی صدق کند. به عنوان مثال، مفهوم 'جسم' بر تمام مصادیق خود به‌طور یکسان حمل می‌شود و هیچ جسمی از حیث جسمیت بر جسم دیگر مزیتی ندارد. هرچند اجسام ممکن است در ویژگی‌های خاص یا مزایایی که دارند متفاوت باشند، اما از نظر صدق مفهوم 'جسم' هیچ تفاوتی میان آن‌ها وجود ندارد."

**"مفهوم مشکک** به معنایی اطلاق می‌شود که بر مصادیق خود به شکلی نابرابر و دارای شدت و ضعف صدق می‌کند؛ به‌طوری‌که برخی مصادیق در مقایسه با دیگران به آن مفهوم نزدیک‌تر و برترند.

 **مثال:**

1. همه خطوط از حیث 'طول' یکسان نیستند؛ خط یک‌متری بیشتر از خط یک‌سانتی‌متری مصداق طول است.

1. مفهوم 'سیاهی' به طور برابر بر همه مصادیقش حمل نمی‌شود؛ برخی سیاه‌تر از بقیه‌اند.

**فلاسفه** بر این باورند که 'وجود' نیز مشکک است و بر تمامی موجودات صدق می‌کند، اما در درجات مختلف. خداوند، به عنوان وجود مطلق، هیچ‌گونه ترکیبی از وجدان و فقدان ندارد، در حالی که سایر موجودات همواره ترکیبی از این دو هستند. تنها خداست که از هرگونه نقص و فقدان بری است."

## **"مفهوم 'وجود'** نیز از جمله مفاهیم مشکک است، به‌طوری‌که اتصاف اشیاء به موجودیت به‌طور یکسان صورت نمی‌گیرد و میان آن‌ها تقدم، تأخر و اولویت‌هایی وجود دارد. به‌عنوان مثال، صدق 'وجود' بر خدای متعال که از هرگونه محدودیت مبراست، با صدق آن بر سایر موجودات قابل مقایسه نیست. وجود خداوند، به‌عنوان وجود مطلق و بی‌نهایت، برترین و کامل‌ترین مصداق وجود است، در حالی‌که موجودات دیگر در درجاتی پایین‌تر از حیث وجود قرار دارند و همواره با محدودیت‌ها و نقایصی همراهند.

## "جواب استاد:

همان طور که گفته شد، «وجود» در عالم خارج نیست تا این تقسیم بر وجود تطبیق داده شود، آنچه در عالم هست، موجودات هستند.

# ادله رد وحدت وجود:

1. وجود در عالم هستی نیست، فقط موجودات است.
2. مقصود از بساطت وجود، مفهوم وجود است، که ربطی به بحث ندارد، و اگر مقصود حقیقت وجود است، با واقعیت‌های خارجی چه کنیم؟ خلاف وجدان است. اگر هم بسط‌الوجود است، که آن خیالی و وهمی است، نه واقعی.
3. آنچه که در خارج است اگر موجودات هستند که خلاف سخن شماست (زیرا قائل به وحدت وجود بوده‌اید) و اگر وجودات هستند باز هم بر خلاف نظر شما است .
4. تعدد و بساطت محال است که جمع شود، تعدد موجودات با بساطت وجود.
5. گفته شده که مرتبه بی‌نهایت وجود خداست، این سخن نیز باطل است، زیرا وجود بی‌نهایت محال است.
6. اگر گفته شود که وجود خدا در طول وجودات است، وجودات عرضی که در کنار هم هستند چه حکمی دارد؟
7. همه ممکنات در وجود و عدم مساوی هستند، و ذاتا هیچ‌کدام از لحاظ وجود و عدم ترجیح ندارند، چطور یک وجود شدیدتر از وجود دیگری است؟ شدت چگونه تصور می‌شود؟
8. تشکیک در وجود یعنی خدا با خلق در وجود شریک باشند، این یعنی شباهت خلق با خدا.
9. وحدت وجود، یعنی شناخت ذات خدا (وجود) و این یعنی اکتناه ذات خدا.
10. وحدت وجود یعنی اجتماع نقیضین (در درس های قبلی توضیح داده شد)
11. با تشکیک وجود خدایی اثبات نمی‌شود، زیرا هر مرتبه‌ای، مرتبه بالاتری دارد، کدام مرتبه خداست؟